



اسلام سیاسی و منازعات در روسیه

و آسیای مرکزی

Lena Jonson and Murad Esenov, eds. *Political Islam and Conflicts in Russia and Central Asia*, Stockholm: Utrikespolitiska Institutet, 1999, 138pp.

کتاب فوق حاوی مجموعه مقالاتی است که در کنفرانسی تحت عنوان: «اسلام سیاسی و منازعات در روسیه» که در آوریل ۱۹۹۹ برگزار شد ارائه گردیده‌اند. این کنفرانس مشترکاً توسط «مؤسسه سوئدی امور بین‌الملل»^۱ و مجله روسی زبان آسیای مرکزی و قفقاز^۲ برپا شده بود. امور مالی برپایی این کنفرانس نیز از طرف وزارت امور خارجه سوئد و مؤسسه مذکور تأمین گردید.

کتاب اسلام سیاسی و منازعات در روسیه و آسیای مرکزی در مجموع به سه بخش تقسیم شده که در هر بخش مقالات مربوطه به شرح زیر آمده است:

بخش اول: ظهور اسلام سیاسی

اسلام و سیاست در کشورهای آسیای مرکزی (الکسی مالاشنکو)

رادیکال‌های اسلامی آسیای مرکزی به کدام جهت در حرکتند؟ چهارچوبی مقایسه‌ای

در مورد تجربه اسلام سیاسی در آسیای مرکزی (کیت مارتین)

مبارزه اسلامی در اوراسیای شوروی سابق (آناماتیووا)

بخش دوم: تحولات در روسیه

مبارزه سیاسی - مذهبی در جمهوری چچن ایچکریا (واخیت آقایف)

اسلام در داغستان (آمری شیخ سعیداف)

1. The Swedish Institute of International Affairs

2. *Tsentralnaya Aziya i Kavkaz*



اسلام بین رودخانه ولگا و کوههای اورال (آیسلو یونوسوا)
 فرهنگ حقوق اسلامی و شریعت (لئونید سایکیآین)
 بخش سوم: اسلام سیاسی در آسیای مرکزی
 مدارس سنتی و مدرن الهیات مذهبی در آسیای مرکزی (آشیریک مومینوف)
 دره فرغانه: منبع بنیادگرایی اسلامی یا سرزمینی که بنیادگرایی اسلامی در آن رسوخ
 می‌کند؟ (بختیار باباجانوف)

اسلام سیاسی و منازعه در تاجیکستان (سعادت اولیموا)
 در مقدمه سومین مقاله، نویسنده با یک بررسی موشکافانه تفاوت بین بنیادگرایی
 اسلامی و سیاسی شدن اسلام را چنین توضیح می‌دهد:

با نگاهی به گذشته در مورد منازعات قرن بیستم در اوراسیا مشخص می‌گردد که بیشتر
 آنها دارای ماهیت نژادی بودند. اگرچه اسلام به عنوان یک دین و اعتقاد و نیز یک نیروی
 فرهنگی از نفوذی دائمی بر بخش‌های مسلمان‌نشین شوروی سابق برخوردار بود ولی در عمل
 تا سال ۱۹۹۰ دارای هیچ نقش سیاسی نبود. احیای اسلام از تأسیس حزب رستاخیز اسلامی^۱
 در سال ۱۹۹۰ آغاز شد. این خیزش جدید تند و سریع بود و از ابتدا تمایلش برای نفوذ و
 توسعه سیاسی آشکار بود.

با وجود آنکه حضور فیزیکی اسلام به‌طور روزافزونی حس می‌گردد ولی یک نقش
 اساسی و قابل توجه در منازعات اوراسیا ایفای نمی‌کند. آیا ما با «پاکوف روی» موافقیم که
 معتقد است: «احتمالاً به‌نظر نمی‌رسد در اوراسیا یک بنیادگرایی اسلامی گسترده ظهور یابد؛
 صرفاً سیاسی شدن اسلام در ابعادی وسیع مطرح می‌باشد». یا پیش‌بینی می‌کنیم که موقعیت
 جاری ممکن است تغییر یافته و رادیکالیسم اسلامی به عنوان یک نیروی سیاسی مهم
 پدیدارگردد؟

سؤال اساسی این است که آیا احیای اسلامی ضرورتاً افراط‌گرایی در سیاست را باعث
 می‌شود؟ ماهیت تجدید حیات اسلامی از مکانی تا مکانی دیگر در اوراسیای شوروی سابق



بسیار متفاوت بوده است؛ در بعضی از کشورها این امر به عنوان یک علامت هویت از طرف حاکمیت‌های دولتی پذیرفته شده و در دیگر کشورها به عنوان پرچم و محملی برای ارائه پیشنهادهای به قدرت سیاسی یا برای یک مبارزه ملی آزادیخواهی استفاده می‌شود. کی و چرا اسلام در یک مجموعه رویدادها و حوادث به نیرویی سیاسی افراطی تبدیل می‌گردد در حالی که در دیگر کشورها به عنوان یک پدیده فرهنگی و اجتماعی باقی می‌ماند؟» (صفحه ۳۵)

همچنین، در مقاله اسلام در داغستان، روند تاریخی گسترش اسلام در این سرزمین بررسی شده و ریشه‌های تصوف و زمینه‌های نضج آن مطالعه می‌گردد. در صفحه ۵۹ کتاب اسلام سیاسی و منازعات در روسیه و آسیای مرکزی چنین می‌خوانیم: «برای شروع تجزیه و تحلیل موقعیت مذهبی در داغستان امروز منطقی است بررسی مختصری از گذشته و ویژگی‌های روند اسلامی شدن در داغستان صورت گیرد. این روند بی‌سابقه طی بیش از ۱۰۰۰ سال در سرزمین کوچک قفقاز شمال شرقی با یک دوجین از ساختارهای سیاسی و قومی مستقل جریان یافته است.

فقط تا پایان قرن ۱۶، اسلام موقعیت مذهب رسمی تمامی مناطق فئودالی داغستان و پیوستگی‌های بسیار جوامع روستایی را تحصیل کرده بود.

نیروهای سیاسی خارجی (عرب‌ها، ترک‌ها، به‌ویژه ترک‌های سلجوقی، مغول‌ها، فارس‌ها و دیگران) مصرانه و همواره مشی اسلامی نمودن را به اجرا درآورده‌اند. در نتیجه، بالاخره شافعی مذهب‌های اهل تسنن نیز در داغستان موجودیت یافتند. واقعیت مهم دیگر که باید مورد مطالعه قرار گیرد آن است که تصوف به‌عنوان شکلی عادی از زندگی روزمره در داغستان مطرح گشت.

اسلام در تاریخ مردم داغستان به‌عنوان یک بخش لاینفک از فرهنگشان باقی ماند. عامل اسلامی خودش را به‌وضوح در قرن ۱۹ در مبارزه آزادیخواهانه که به‌وسیله شیخ شامل رهبری شد نشان داد؛ اوج این قیام در سال ۱۸۷۷ بود.

کیت مارتین محقق برجسته مسایل آسیای مرکزی در مقدمه مقاله خود تحت عنوان رادیکال‌های اسلام آسیای مرکزی به کدام جهت در حرکتند؟ می‌نویسد:



حتی از سال ۱۹۹۲، زمانی که دولت‌های آسیای مرکزی استقلال غیرمنتظره خود را به دست آوردند، کارشناسان، دولتمردان سیاسی و مفسران موضوع اهمیت اسلام سیاسی در آسیای مرکزی را مطرح می‌کردند. آن تفسیرها بسیاری از ضعف‌ها و برجستگی‌ها را مورد نظر قرار دادند: تهدید اسلام بنیادگرا از آسیای مرکزی به سوی بسیاری دروازه‌های روسیهٔ مادر که دارای زمینهٔ مساعد بودند. (صفحه ۱۹)

«سعادت اولیما» یکی دیگر از محققان در مقالهٔ ارائه شده خود به کنفرانس تحت عنوان (اسلام سیاسی و منازعه در تاجیکستان) پس از ذکر زمینهٔ تاریخی، موقعیت مذهبی در تاجیکستان کنونی، حزب اسلامی رستاخیز تاجیکستان، اسلام و دولت و نتایج منازعات در پایان اظهار می‌دارد: «حل و فصل منازعهٔ داخلی تاجیکستان و همکاری اپوزیسیون در ساختار سیاسی از ضروریات اصلی برای ثبات در تاجیکستان به‌شمار می‌روند. اسلام با جهت‌گیری‌های متفاوت و خاص خود یک عامل در زندگی سیاسی تاجیکستان محسوب می‌گردد. بنابراین ضرورت دارد تا احزاب و جنبش‌های اپوزیسیون در روند سیاسی تاجیکستان شرکت داده شوند. یک سیستم چندحزبی باید توسعه یابد و ایجاد انواع متفاوت انجمن‌ها و کانون‌های شهری می‌بایست حمایت گردند. اصلاحات بنیادی که شامل اصلاح نظام انتخاباتی نیز باشد ضروری هستند.

یک توافق ملی لازم است، یک اجماع و موافقت عمومی که باید بین مناطق گوناگون و گروه‌های اجتماعی و نژادی مختلف حاصل گردد».

گفتنی است در بخش پایانی کتاب اسلام سیاسی و منازعات در روسیه و آسیای مرکزی فهرستی کامل از تمامی اصطلاحات عربی که در کتاب مذکور به کتابت انگلیسی به کار رفته (مثل ادب، علیم، عمل، اولیا، برکت، دارالحرب، فقیه، حکیم، اجماع، کلام، کفر، مکتب، مفتی، مجتهد، مهتذب، نکاح، قیاس، شرک، شورا، سجود، سوره، طریقت، علما، عرف، عشر، زیارت) با توضیح صحیح و کافی آورده شده است.

قاسم ملکی